

## مطالعه تطبیقی الگوی اسلام سیاسی انقلاب اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر

جلال درخشه<sup>۱</sup>

محمد رسول نجاتی آرانی<sup>۲</sup>

### چکیده

این مقاله، مبانی و مؤلفه‌های سیاسی انقلاب اسلامی ایران و جنبش اخوان المسلمین مصر را به‌عنوان دو الگوی اسلام سیاسی در منطقه حساس غرب آسیا، بررسی می‌کند. انقلاب اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر، هر دو بر بازگشت به اسلام راستین و حقیقی و برپایی حکومت اسلامی تأکید می‌کنند، حال آنکه قرائت‌های آنان از اسلام متفاوت است. در دهه‌های اخیر این دو برای ارائه الگویی موفق از اسلام سیاسی، که راهنما و راهگشای مسلمانان برای تحقق جامعه اسلامی مطلوب باشد، با یکدیگر ارتباط و رقابت خوبی داشته‌اند. هر دو الگو، هم‌اورد اصلی خود را در میدان سیاسی و اجتماعی، استبداد، استعمار و عقب‌ماندگی مسلمانان می‌دانند و سعی می‌کنند با از میان بردن رژیم‌های مسلط بر کشورهای اسلامی، ساختارهای دلخواه خود را بر اساس شریعت ایجاد کنند. این دو الگو، با آنکه از لحاظ جغرافیایی فاصله دارند؛ ولی به دلیل شباهت در اصول سیاسی، در یکدیگر تأثیرگذاری داشته‌اند. شباهت در مؤلفه‌های فکری همچون باور به جدایی‌ناپذیری دین از سیاست، برپایی حکومت اسلامی، استقلال و مبارزه با استعمار، عدالت‌خواهی، وحدت امت اسلامی و دوری از فرقه‌گرایی، توجه به مسئله فلسطین به‌عنوان مسئله اول کشورهای اسلامی، سبب نزدیک شدن این دو الگو به یکدیگر بوده است. از این رو پرسش اصلی در این پژوهش آن است که اخوان المسلمین مصر و انقلاب اسلامی ایران در اصول مبتنی بر اسلام سیاسی چه شباهت‌هایی دارند و دیگر آنکه با وجود شباهت در اصول، چرا یکی از این دو الگوی اسلام سیاسی در محیط و فضای سیاسی به توفیق دست یافته و به مرحله نظام‌سازی رسیده است و دیگری با وجود فراهم بودن شرایط به توفیق دست نیافته و در مسیر دولت‌سازی ناکام بوده است. پژوهشگر باور دارد که احیای مفاهیم دینی در روزگار کنونی به دست انقلاب اسلامی، که بارزترین آنها نظریه ولایت فقیه و نگاه تمدنی انقلاب اسلامی است، پدید آورنده این پیروزی بوده است؛ حال آنکه دوری و غفلت اخوان المسلمین از اصول اولیه، مایه ناکامی این جنبش بزرگ اسلامی شده است.

**واژگان کلیدی:** اسلام سیاسی، اخوان المسلمین، انقلاب اسلامی، دولت‌سازی

J.dorakhshah@yahoo.com

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه امام صادق (ع)

info.tavoosbehesht@gmail.com <sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

## مقدمه

در دو سده اخیر همواره نظریه‌پردازان و محققان به اسلام سیاسی و جنبش‌های اسلامی توجه کرده‌اند. در کشورهای اسلامی نیز، اسلام سیاسی و تحولات آن در دو سده اخیر به‌ویژه دو دهه گذشته، اهمیت بسیاری یافته، و به دنبال آن عرصه جهانی را تحت تأثیر قرار داده است. (بهرزولک، ۱۳۸۶: ۲۹) اسلام سیاسی در کشورهای اسلامی، واکنشی در برابر نفوذ مدرنیته در جامعه است تا بتواند ارزش‌ها، جوامع و هویت‌های دینی را حفظ کند. از اهداف اصلی اینها می‌توان به حمایت از هویت دینی در برابر مدرنیته و سکولاریسم اشاره کرد. (سیمبر، ۱۳۸۹: ۴۹) اسلام سیاسی از مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات است که در تعامل و کشاکش میان اسلام و سیاست مطرح شده است. اسلام سیاسی گفتمانی است که بر اساس تمسک به اصول بنیادین اسلامی، در شرایط رویارویی کشورهای اسلامی با مدرنیته به‌ویژه پروژه دولت ملت‌سازی، فعال شده است. (بهرزولک، ۱۳۸۶: ۳۹) جنبش‌های اسلامی که با نام‌های گوناگون از آنها یاد می‌شود، به‌راستی نمود بیرونی و عینی اسلام سیاسی هستند.

می‌توان این جنبش‌ها را در سطح‌های مختلف دسته‌بندی کرد؛ چنانکه از نظر درجه، راهکار، رویکرد و قلمرو مکانی یا جغرافیایی می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی بخشی از جنبش‌های اسلامی مانند جماعت اسلامی مصر را از لحاظ ماهیت، در دسته جنبش‌های دینی با اهداف، عملکرد و نقش‌های سیاسی قرار می‌دهد.

برخی جنبش‌ها، ماهیتی سیاسی با اهداف، کارکرد اسلامی و رنگ دینی هستند، مانند جنبش اخوان المسلمین در بسیاری از کشورهای اسلامی. اما از دید راهکار اجرایی، برخی جنبش‌ها مانند گروه الجهاد در مصر، برای دستیابی به اهداف و تحقق طرح‌هایشان، از راهکار نبرد مسلحانه استفاده می‌کنند. برخی دیگر مانند حزب عدالت و توسعه مراکش و جماعت اسلامی پاکستان برای دستیابی به اهدافی مشابه از ابزارهای تبلیغی و مسالمت‌آمیز بهره می‌گیرند. جنبش‌هایی نظیر حماس، جهاد اسلامی و حزب الله برای رویارویی مشروع با دشمنان خارجی همچون آمریکا و اسرائیل دارای رویکردی مسلحانه هستند. در برابر آن، برخی جنبش‌های مسلحانه همچون جماعت اسلامی در الجزایر تنها در برابر رژیم‌ها و نظام‌های حاکم، و نه دشمنان خارجی، فعالیت می‌کنند. (رفعت، ۱۳۹۰: ۲۲) از نظر گستره جغرافیایی فعالیت، جنبش‌های اسلامی به دو بخش تقسیم می‌شوند: جنبش‌های جهان‌شمول مانند اخوان المسلمین؛

جنبش‌های محلی و منطقه‌ای مانند نهضت اسلامی تونس و برخی جنبش‌هایی که به تازگی در اندونزی پدید آمده است.

بنابراین اخوان المسلمین جنبشی اسلامی با ماهیت سیاسی، هدف و کارکرد اسلامی، صبغه دینی و گستره جهانی است. بی‌گمان بررسی جنبش اخوان المسلمین از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا اخوان المسلمین، سنگ‌بنا و خاستگاه فکری و احیاناً سازمانی بسیاری از اعضای جنبش‌های اسلامی رادیکال یا اصلاح‌طلب بوده است. بررسی گفتمان جنبش اخوان المسلمین و ماهیت ساختار سازمانی این جماعت، فهم و تحلیل تحولات آن را ممکن می‌کند و بسیاری از تاکتیک‌های اخوان در عرصه سیاسی را روشن می‌کند.

باید توجه داشت که اخوان المسلمین جنبشی سلفی است و در شاخه سلفی‌های تقریبی و سیاسی قرار می‌گیرد، که فعالیت‌های سیاسی را برای دستیابی به قدرت سیاسی و دولت انجام می‌دهد، همچنین با توجه به مبانی‌اش، دارای رویکردهایی ضد فرقه‌ای و نزدیک به وحدت است. از سوی دیگر انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان متکامل‌ترین حلقه جنبش‌های اسلامی مطرح است. واکنش به حکومت‌های ستمگر و خودکامه که حاکمیت آمرانه ناسیونالیستی را رواج می‌دهند و گرایش شدیدی به روند نوسازی و توسعه غرب‌گرایانه دارند و مایه رویکرد استعماری دولت‌های غربی در برابر ایران شده‌اند، بیانگر بحران‌هایی چون بحران هویت و مشروعیت در جامعه ایران بود. این مسائل با ارائه آرمان برپایی حکومتی عادلانه و عزت‌مندانه از سوی امام خمینی (ره) همزمان شد و این الگویی نوآورانه برای مردم بود. الگویی که با ارائه درکی ریشه‌دار از مذهب شیعه و بهره‌گیری از نظام معنایی و اندیشه‌ای تازه توانست بر بحران هویت پیش از انقلاب چیره شود و طی یک فرآیند تاریخی به صورت الگوی برتر فعالیت سیاسی نمایان شود و هویتی نوین و متمایز را بر پایه بنیان‌های ارزشی و آموزه‌های دینی شکل دهد. (بهر روز لک، ۱۳۸۴: ۲۷) انقلاب اسلامی ایران یکی از رخداد‌های مهم سیاسی و اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم به‌شمار می‌آید که از ابعاد مختلف، شایسته بررسی است. این رویداد بزرگ افزون بر ارائه اسلام، به‌عنوان یک نیروی جدید در جهان مدرن، بر نظریه «پایان دوره دین» مهر بطلان زد و ثابت کرد که نه‌تنها دوره دین و باورهای دینی به‌پایان نرسیده؛ بلکه دین می‌تواند نیروی دگرگون‌کننده جوامع باشد. از این رو تجزیه، تحلیل و فهمیدن زیرساخت‌های فکری این انقلاب، که در نهاد فکری

و تاریخی شیعه به منزله منبع محرکه و تغذیه فرهنگی آن است، ضروری است؛ به ویژه اینکه در فرآیند همگانی اندیشه سیاسی در ایران امروزی، اندیشه شیعی دورانی از بازسازی را تجربه کرد که نه تنها در نوسازی زندگی دینی امروزی نقشی پر رنگ داشت؛ بلکه این بازسازی‌ها، انقلاب اسلامی را پی‌ریزی کرد. (درخشه، ۱۳۸۸: ۸۸)

چارچوب نظری در این پژوهش آن است که زنده کردن مفاهیم دینی در قالب اصول بنیادی و پایبندی به این اصول سبب شده تا انقلاب اسلامی ایران، به عنوان جنبشی اسلامی، مراحل تکاملی خود را سپری کند و به مرحله دولت‌سازی برسد. دستیابی به این مرحله، انقلاب اسلامی را به عنوان متکامل‌ترین حلقه از جنبش‌های اسلامی معاصر نماینداند، حال آنکه سایر جنبش‌های اسلامی در مراحل اولیه خود ناکام شدند.

#### روش پژوهش

در این پژوهش سعی شده تا با بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های دانشگاهی در دسترس، انقلاب اسلامی و اخوان المسلمین به عنوان دو الگوی اسلام سیاسی، شناسانده و مقایسه شوند. بنابراین این پژوهش، روش توصیفی و تطبیقی را برگزیده است.

#### پیشینه بحث

مطالب و نوشته‌های فراوانی در زمینه الگوهای مطرح شده «اسلام سیاسی» وجود دارد. در این باره می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: کتاب جمعیت اخوان المسلمین مصر، انتشار اندیشه‌سازان نور؛ اخوان المسلمین نوشته بهمن آقایی؛ مجموعه الرسائل؛ من خطب حسن‌البناء به زبان عربی؛ آثار حجت‌الاسلام خسروشاهی در زمینه اخوان المسلمین؛ آثار مربوط به انقلاب اسلامی همچون بیانات و رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب در صحیفه نور؛ کتاب «قرائت امام خمینی از سیاست» نوشته علی اصغر توحیدی؛ نهضت امام خمینی نوشته حمید روحانی؛ آثاری دیگری از این دست که به شیوه ویژه‌ای، یکی از این دو الگو را روشن می‌کند. تا کنون، بر اساس چارچوب نظری این پژوهش، مقاله و کتابی درباره مطالعه این الگوها تهیه نشده است. چارچوب نظری این مقاله از مقاله‌ای با عنوان "بازتفسیر مفاهیم دینی و تأثیر آن بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران" از دکتر درخشه تأثیر پذیرفته است. شایان یادآوری است که در زمینه مقایسه اندیشه‌های رهبران و پیشتازان اسلام سیاسی، به ویژه شخصیت‌های تأثیرگذار در انقلاب اسلامی

ایران و اخوان المسلمین مصر، مقالات و کتاب‌هایی نوشته شده است. برای نمونه می‌توان به مقالات و نوشته‌هایی اشاره کرد که آرای سیاسی امام خمینی (ره)، سید قطب، رشید رضا، حسن‌البننا و دیگران را مقایسه کرده‌اند؛ ولی در زمینه مطالعه تطبیقی دو الگوی انقلاب اسلامی و اخوان المسلمین، که دستاورد کوشش نخبگان و احیاگران اسلامی بوده، آثار کمتری نوشته شده است. از نمونه‌های اندک آن می‌توان به مقاله‌ای با عنوان "پیروزی و ناکامی گفتمان اسلام سیاسی، تجربه‌ای متفاوت در ایران ۱۹۷۹ و مصر ۲۰۱۲" اشاره کرد که چرایی‌های کامیابی انقلاب اسلامی ایران و ناکامی اخوان المسلمین را بررسی می‌کند. این مقاله که بر اساس روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به دست آمده، گویای آن است که جنبش اخوان المسلمین به دلیل پافشاری بر دانش‌گزینی، نداشتن راهنمای برتری همچون رهبری امام خمینی (ره) و الگویی همچون «ولایت فقیه» و ناتوانی در کنترل مراکز ساختاری قدرت مانند ارتش و نیروهای امنیتی پیشین، در تحولات ۲۰۱۲-۲۰۱۳ در حفظ حاکمیت خود در عرصه سیاسی مصر شکست خورد و به دنبال آن در رویارویی با بحران‌های سیاسی و دست‌درازی نظامی‌ها به سیاست، ناکام ماند و به حاشیه رفت. لکن در مقاله حاضر کوشیده شده تا به همه اصول بنیادی این دو الگو پرداخته شود و به نکته‌های جزئی تأثیرگذار در ناکامی یا کامیابی بسنده نشود. از این رو کوشش شده تا با بررسی اصول سیاسی انقلاب اسلامی و اخوان المسلمین، به علل ناکامی و کامیابی هر دو الگو اشاره شود. در این میان آثاری هستند که تنها به علل ناکامی اخوان المسلمین اشاره می‌کنند. در این زمینه می‌توان به مقاله‌ای با عنوان "علل شکست انقلاب مصر و سقوط دولت مرسی" و نیز پایان‌نامه‌ای دانشگاهی با عنوان "تلاش‌های اخوان المسلمین مصر پس از کودتا؛ از گسست درونی تا انشعاب احتمالی" اشاره کرد. از این رو با توجه به پیشینه بحث، این مقاله و کوشش آن برای مقایسه و تطبیق این دو الگوی اسلام سیاسی، نگاهی نوآورانه دارد.

## ۱. بررسی اصول سیاسی انقلاب اسلامی و اخوان المسلمین

### ۱.۱. اصول و مبانی سیاسی اخوان المسلمین

مهم‌ترین اصول در چارچوب فکری اخوان المسلمین عبارت‌اند از:

الف) اعتقاد به جدایی‌ناپذیری دین از سیاست

از دیدگاه اخوان المسلمین و خودِ حسن‌البناء، دین و سیاست دو مقولهٔ بهم‌پیوسته هستند و دولت دینی دولتی است که هم قدرت دینی و هم اقتدار و حاکمیت دنیایی دارد. از دیدگاه اسلام، دو قدرت در جامعهٔ اسلامی نیست تا با هم درگیر شوند، قدرت یگانه و یکپارچه است و در دولت، که بر کارهای دین و دنیا نظارت دارد، نمایان می‌شود؛ بنابراین دولت قدرتی است که رویکردش به جامعه است و اجرای احکام، حفظ امنیت و نظم و همچنین برقراری عدالت در میان مردم را بر دوش دارد. (البناء، ۱۹۷۸: ۲۴) از این رو با توجه به این رویکرد مشاهده می‌شود که «حسن‌البناء» دولت اسلامی را از دو دیدگاه قدرت سیاسی دنیوی و نیز تأمین‌کنندهٔ مقدمات و نیازهای اخروی می‌نگرد. اخوان‌المسلمین از همان آغاز اعلام کرد که یکی از اهدافِ دعوتشان، پرداختن به مقولهٔ جدایی‌ناپذیری دین از سیاست است و این جدایی‌ناپذیری به معنای جدایی‌ناپذیری دین از دولت و به دنبال آن کوشش برای برقراری حکومتی دینی است. «بر این باوریم که احکام و آموزه‌های اسلام، فراگیر است و همهٔ امور دنیوی و اخروی مردم را سامان می‌دهد و آنان که می‌پندارند این آموزه‌ها تنها جنبه‌های عبادی یا روحی را دربرمی‌گیرد، اشتباه می‌کنند. اسلام اعتقاد است و عبادت؛ میهن است و نژاد؛ دین است و دولت؛ روحانیت است و عمل؛ قرآن است و شمشیر».

(البناء، ۱۳۸۸: ۲۰۰)

اخوان‌المسلمین یکی از عوامل عقب‌ماندگی و ناکامی جامعهٔ مصر را جدایی دین از سیاست می‌دانست. حسن‌البناء به جدایی‌ناپذیری دین از سیاست پرداخت و به روشنی با نظریهٔ سکولارها که خواستار جدایی دین از سیاست بودند، مخالفت کرد.

### ب) برپایی حکومت اسلامی

این جنبش با توجه به بهره‌گیری از اندیشهٔ سیاسی اهل سنت، به دنبال برپایی حکومت اسلامی برای اجرای شریعت است؛ با این حال در این زمینه نکاتی وجود دارد که مهم‌ترین آنها این است که اخوان‌المسلمین برپایی حکومت برای ادارهٔ جامعه را برای خود نمی‌خواهد؛ بلکه اخوان پشتیبان کسانی است که برای این آرمان دست بکار شوند و تکاپو کنند. در نگاه رهبران اخوان، نخستین بار غربی‌ها ایدهٔ جدایی دین از سیاست را برای جلوگیری از برپایی حکومت اسلامی و در راستای تباهی و فروپاشی جوامع مسلمان رواج دادند. حسن‌البناء می‌دید که مسلمانان در عمل، دین را از سیاست جدا کرده‌اند و این جدایی به تعبیر وی نخستین گام سستی و سرآغاز تباهی بود. از دیدگاه

وی، راهی برای خروج از این وضع جز برپایی حکومت اسلامی وجود نداشت. (الشرفی، ۱۹۹۲: ۸۱) در سال ۱۹۳۹ که برای نخستین بار اهداف اخوان المسلمین در قانون اساسی‌شان نوشته شده، در بند دوم آن به بیانی روشن یکی از اهداف اخوان را «برپایی دولت شایسته‌ای می‌داند که احکام و آموزه‌های اسلام را در عمل بکار بندد و در درون از آن پاسداری و در بیرون آن را تبلیغ کند.» (ابراهیم، بی تا: ۱۲)

از این رو در اندیشه اخوان، دولت اسلامی دولتی دموکراتیک یا با اوصاف دیگر نیست؛ بلکه دولت باید دولت دعوت باشد از این رو می‌گویند که دعوت جز در سایه نهاد پشتیبانی‌کننده‌ای که آن را حفظ و گسترش و تبلیغ و تقویت کند، پابرجا نمی‌شود. (البنا، بی تا: ۱۲۰) بنابراین وظیفه دولت، حمایت از تبلیغ و دعوت و نگهداری از دین با همه امکانات و توانایی است. «ما درصدد برپایی حکومت اسلامی هستیم، حکومتی که مردم را به مسجد دعوت کند و آنها را هدایت و راهنمایی می‌کند» (خسروی، ۱۳۸۴: ۵۵) از دیدگاه اخوان، دولت با آنچه در مفهوم غربی ترویج می‌شود متفاوت است؛ زیرا در این دیدگاه، دولت اسلامی تنها بر اساس دعوت برپا می‌شود، دولت اسلامی دولت رسالت است، نه سازوبرگ مدیریت و نه حکومت ماده جامد گنگ بی‌جان (البنا، بی تا: ۱۲۰) هدف پایانی اخوان المسلمین، برپایی حکومت اسلامی است. در دیدگاه آنها مهمترین اساس، حکومت الهی با محوریت شریعت است؛ البته تنها خواسته اخوان المسلمین، پدید آوردن کشوری مسلمان نیست؛ بلکه هدف اصلی آنان، سرنوشت جامعه مسلمانان است. آنان بازگشت به قرآن را وظیفه‌ای شرعی برای حفظ جامعه اسلامی در برابر انحراف‌ها می‌دانند. از نظر آنان، افزون بر قرآن، از سنت، اجماع، قیاس و آرای مجتهدان نیز می‌توان استفاده کرد؛ از این رو باید بر اساس نیاز زمان، احکام را بررسی و تفسیر کرد. (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳)

### ج) استقلال و مبارزه با استعمار

گروه اخوان المسلمین یکی از اهداف بنیادی خود را، که میهن‌دوستی اخوان توصیف شده، آزادی مصر و تمام کشورهای عربی و سرزمین‌های اسلامی از یوغ بیگانگان اعلام کرده است (اساسنامه اخوان مصوب ۱۹۴۵) «البنا» از واژه استخراب (ویران‌خواهی) به جای واژه استعمار استفاده می‌کند و استعمار را عنصر ویرانگر وحدت امت اسلامی و مانع بنیادین برای برپایی یک جنبش اسلامی می‌داند و برای همین از جوامع اسلامی

می‌خواهد، با استعمار مبارزه کنند و از بندهای آن رها شوند تا بستر پایه‌گذاری یک جنبش فراگیر را فراهم کنند. (سایت خسروشاهی، ۱۳۹۷/۲/۲۵)

در سال‌های جنگ دوم جهانی بنابر شرایط حاکم بر جامعه، مصر در برابر استعمارگران انگلیسی و دولتمردان وابسته مصری قرار گرفته بود. جنب‌وجوش‌های اخوان در این دوره به دستگیری چندین باره «بنا» انجامید. سال‌های جنگ (دوم) «بنا» را به کشمکش با مقامات بریتانیا و دولت مصر واداشت. هنگامی که سازمان به جنب‌وجوش‌های ضد انگلیسی و فعالیت‌های زیرزمینی خود با نام «النظام الخاصه» یا «الجهاز السری» ادامه داد، «بنا» چندین بار دستگیر شد. «بنا» بارها به حضور انگلیسی‌ها در کانال سوئز اعتراض می‌کند و استعمار را یکی از مهم‌ترین علل عقب‌ماندگی و بدبختی مسلمانان برمی‌شمارد. «اخوان» در ابتدا یکی از اهداف خود را آزادسازی همه کشورهای اسلامی و همچنین ملت مصر از استعمار قرار داد؛ ولی از آنجا که الگو و روش نوآوران‌های ارائه نداد، به پیروزی دست نیافت. مهم‌ترین مسائلی که تفکر اخوانی در این زمینه بر آن پافشاری می‌کرد، عبارت‌اند از: بازسازی حکومت اسلامی از راه بازسازی و زنده‌ساختن اندیشه مسلمانان؛ مبارزه مسلحانه با استعمار و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی و همچنین همه دشمنان اسلام؛ جنگ با تمدن غرب در میدان علم و اندیشه؛ مبارزه با ملی‌گرایی که استعمارگران برای تفرقه‌افکنی میان مسلمانان آن را رواج داده بودند. بی‌گمان این اندیشه، به‌گونه‌ای، ادامه اندیشه خلافت واحده یا عظمای رشیدرضا است. از این نکته آگاهی داشته باشیم که از دیدگاه اسلام، روحانیون با سیاست همگام هستند و به هیچ روی نمی‌توان آن دو را از هم جدا پنداشت. (عنایت، ۱۳۷۲: ۷۴) همچنین در دوران پس از جنگ سرد، دست‌اندازی آمریکا به کشورهای اسلامی و اشغال و غارت آنها به بهانه مبارزه با تروریسم و به دنبال آن رواج دادن اسلام‌هراسی و تبلیغ سبک زندگی آمریکایی، از موضوعاتی است که اخوان به آن می‌پردازد. جماعت اخوان می‌کوشد تا در کنار محکوم‌کردن اشغالگران و سلطه‌گران و مبارزه غیر نظامی و سیاسی با بیگانگان (و کفار) دروازه گفتگو را باز نگاه دارد و با اینکه آمریکا را دشمنی برجسته می‌شمارد، از کارهای جهادی یا تکفیری در برابر بیگانگان به‌ویژه آمریکایی‌ها خودداری کند. (موسی الحسینی، ۱۳۸۷: ۲۹۸-۳۰۰) بنابراین اخوانی‌ها در بازه زمانی کنونی در رویارویی با استعمارگران و بیگانگان از رویکردهای قهرآمیز چشم‌پوشی می‌کنند و می‌کوشند تا از سایر راه‌ها، مانند گفتگو و تعامل استفاده کنند، هر چند در این زمینه نیز بسیار احتیاط می‌کنند. اخوانی‌ها با سیاست‌های دولت برای نزدیکی هر چه بیشتر به



ایالات متحده آمریکا مخالفند. آنها به جای گسترش پیوندهای سیاسی و اقتصادی با ایالات متحده، خواهان اولویت دادن به پیوند با کشورهای اسلامی و عربی هستند و از هرگونه کوششی در این زمینه پشتیبانی می‌کنند. (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۷۹)

#### د) عدالت خواهی

عدالت به مثابه یکی از صفات اصلی حاکم اسلامی، همواره در طول تاریخ اندیشه اسلامی، جایگاهی مهم داشته است. در هنگامی که شماری از اندیشمندان اسلامی آن را صفتی جدایی‌ناپذیر برای حاکم برشمرده‌اند، گروهی دیگر با نگاه به شرایط واقعی جامعه، از آن به عنوان یکی از صفات حاکم چشم‌پوشی کرده‌اند و امنیت را سزاوارتر دانسته‌اند. از اینجاست که عدالت در اندیشه اهل سنت به امنیت پسرقت می‌کند. (پایگاه تخصصی وهابیت پژوهی و جریان‌های سلفی، ۱۳۹۷/۲/۲۷)

با اینهمه رهبران اخوان در برشماری وظایف و اهداف حکومت اسلامی، برپایی عدالت را یکی از مهم‌ترین اهداف دولت اسلامی می‌دانند. با توجه به این موضوع، دولت اسلامی باید کاستن فاصله میان توانگر و تهیدست را در دستور کار خود قرار دهد. چنانچه در ادبیات «حسن البنا» می‌یابیم، برپایی عدالت از وظایف ویژه دولت اسلامی است. برای روشن کردن این موضوع باید گفت که عدالت از دیدگاه «البنا» مفهومی گسترده است که انسان، خانواده، دولت و سپس جامعه انسانی را دربرمی‌گیرد.

وی بر نقش یا وظیفه دولت در برپایی و پشتیبانی از عدالت در همه لایه‌های یاد شده پافشاری می‌کند و می‌گوید: ترازوی عدالت دولت، همان قانون عادلانه و مهرآمیز است... که چارچوب حاکم و مردم را روشن می‌کند و حق مظلوم را از ظالم می‌گیرد و عدالت را میان افراد و گروه‌ها و رده‌ها برقرار می‌سازد. «وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»<sup>۶۰</sup>. بنابراین هرگاه دولت ترازویی برای سنجش عدالت نداشت یا آن را نابجا به کار گرفت، آشوب گسترش می‌یابد و ساختار دچار ناآرامی می‌شود. عدالت گستری دولت، همه شهروندان حتی غیر مسلمانان را دربرمی‌گیرد و «البنا» در اینجا بر قاعده مشهور «اهل کتاب، حقوق و وظایفی مشابه مسلمانان دارند» پافشاری می‌کند. (مرادی، ۱۳۸۱: ۹۵-۹۶) در هر صورت، نخبگان اخوان المسلمین افزون بر سفارش به سرمایه‌گذاری و کار اقتصادی در زمینه‌های فردی، خواستار پانهادن دولت اسلامی در کارهای اقتصادی برای ساماندهی اوضاع اقتصادی مردم هستند و با توجه به این نکته

می‌توان دریافت که چنانچه به این مسئله پرداخته شود؛ مسئولیت‌های اقتصادی بسیاری بر دوش دولت قرار می‌گیرد. از دیدگاه رهبران اخوانی، حکومت دینی وظایفی دارد، و یکی از مهم‌ترین آنها برپایی عدالت است، که عمل به این وظایف مایه ماندگاری حکومت می‌شود. مهم‌ترین کار ویژه حکومت اسلامی، عدالت و انجام کارهای جامعه بر اساس عدالت است. (الصوف، ۱۴۱۰: ۲۴) عدل، پایه حکومت است؛ زیرا شیرازه حکومت، قدرت است و سرچشمه قدرت، خداوند است و مهم‌ترین صفت خداوند در پرتو قدرت، عدل است؛ بلکه عادل‌ترین موجود صاحب قدرت، خداوند است و تنها قدرتی مشروع است که از سوی خداوند باشد و بی‌گمان باید محور، پایه و هدف این قدرت، عدل باشد (الصوف، ۱۴۱۰: ۱۰۰) رهبران اخوان یکی از ویژگی‌های دولت آرمانی دلخواه خود را عدالت می‌دانند. عدالت بی‌چون و چرا و جلوگیری از ستمگری، همان کلمه خداست که باید در همه حال و در همه جا از هر چیزی برتر و بالاتر باشد. (سید قطب، ۱۳۶۸: ۶۲) در این موضوع، سید جعفر سجادی درباره سید قطب و پافشاری وی بر عدالت اجتماعی می‌نویسد: وی در کتاب معرکه الاسلام می‌گوید: وضع کنونی حکومت مصر، بی‌گمان توانایی ماندگاری ندارد؛ این امر حقیقتی است که همه آن را پذیرفته‌اند و به آن باور دارند. زیرا وضع کنونی با سرشت‌ها سازگار نیست، نه تنها سرشت انسانی؛ بلکه سرشت همه موجودات و انسانیت، آوای درونی، روح ادیان و مذاهب و به‌ویژه مذهب اسلام و اخلاق؛ همچنین با نیازهای جهان و روزگار کنونی سازگار نیست. روال کنونی حکومت مصر، اعتماد مردم را از بیخ و بن نابود کرده و زندگی مردم را دستخوش سستی و دگرگونی کرده است. گماشتگان حکومت بدون رویکرد انسانی، وجدانی و اخلاقی در برابر منافع همگانی گام بر می‌دارند و خودفروشان و وطن‌فروشان، زمام کار را در دست گرفته‌اند. وی معتقد است: «یا باید اصول اجتماعی درستی برپا شود و عدالت اجتماعی بر اساس برابری و برادری بی‌کم وکاست رعایت شود و ستم و تباهی از میان برود، یا گرفتار وضعی خواهیم شد که همه از آن وحشت داریم و آن رژیم کمونیست است. (سجادی، ۱۳۴۵: ۸۵۵) از دیدگاه اخوان‌المسلمین، عدالت همان مساوات بزرگ انسانی است که برابری همه ارزش‌ها همچون ارزش‌های اقتصادی را بدیده گرفته و این مساوات دقیقاً با همه شرایط و نیازها سازگاری دارد. (دکمجیان، ۱۳۸۳: ۸۶)

چنانچه پیش‌تر گفتیم، اخوان‌المسلمین در طول حیات خود دچار دگرگونی آراء و اندیشه‌های سیاسی شده است. از مهم‌ترین این دگرگونی‌ها، که پس از دوره زندگی «حسن البنا» انجام گرفت، دگرگونی اندیشه‌های اخوان‌المسلمین درباره گفت‌وگو با حکومت و چگونگی مشارکت سیاسی بود.

اخوان‌المسلمین کم‌کم از ایده خلافت اسلامی به سوی ایده حکومت اسلامی حرکت می‌کنند و در این چارچوب با چشم‌پوشی از شرایط کارگزار و حاکم، به کار بستن شریعت اسلامی را مهم می‌انگارد. بر این اساس، فضای سیاسی ویژه و انحصارگرایی اخوان‌المسلمین گام به گام خود را به فضای پرشمار و حزب‌گرا نزدیک می‌کند. اخوان که ابتدا رویکرد انحصارطلبی حزبی را در نگر آورده بود، کوشید در مفهوم انحصارطلب خود بازنگری کند و به رویکرد حزب تکثرگرا نزدیک شود. (گروه پژوهش مؤسسه، ۱۳۹۰: ۷۱)

می‌توان مهم‌ترین مسئله اخوان‌المسلمین در عرصه داخلی را تأکید بر رویکرد انحصارطلبی دانست که آن را از رویکردهای تکثرگرایی که جوامع متکثر و چند حزبی به آن نیاز دارد، جدا می‌کرد. جماعت اخوان‌المسلمین از دیرباز به مخالفت با مفهوم چندحزبی در فعالیت سیاسی مشهور بوده و همواره خود را گروهی سیاسی شناسانده که از حزب برتر است؛ حال آن که ساختار هرمی و هسته‌ای آن، حزبی صرف بوده است. جماعت اخوان‌المسلمین از نظر راه و روش، نمونه کاملی از حزب انحصارطلب بوده است که برای برچیدن احزاب و یکپارچه کردن آنها در حزبی یگانه کوشش می‌کرد. گرچه جماعت در زمان «البنا» با شرکت در انتخابات پارلمانی ۱۹۴۲ و ۱۹۴۵، ساختار پارلمانی را برای ویرایش قانون اساسی برگزید، اما «البنا» کوچکترین تردیدی باقی نگذاشت که گروه در صدد براندازی رویکرد چندحزبی، رقابتی ساختار پارلمانی و بازسازی این ساختار بر اساس چیرگی حزب انحصارطلب یا همان جماعت است؛ زیرا جماعت خود را یک حزب انحصارطلب می‌دانست. (محمد و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۶۰-۲۶۱) «حسن البنا» پیوند زمامدار و ملت را قرارداد اجتماعی می‌داند، بنابراین با حکومت موروثی کاملاً مخالف است (مرادی، ۱۳۸۱: ۸۶) از این رو «حسن البنا» سازوکار و حکومت بر اساس پارلمان را ناسازگار با اسلام نمی‌داند و آن را تأیید می‌کند.

اخوان المسلمین ابتدا با شیوه‌های پارلمانتاریستی و لیبرالیستی مخالف بود و آنها را رد می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که بر پایهٔ اساسنامه و روال خود اعلام کرد، گرایشی به در اختیار گرفتن قدرت از راه انتخابات ندارد و به گفتار درست‌تر از شیوه‌های لیبرالیستی برای دستیابی به قدرت استفاده نخواهد کرد. اما کم‌کم در برابر این شیوه، دیدگاهش را تغییر داد و تنها راه رسیدن به اهداف خود را شیوهٔ پارلمانتاریستی و راه‌یابی به پارلمان معرفی کرد که نمونهٔ آن ائتلاف اخوان با احزاب ضد مذهبی و لائیک در مصر و پیمودن این راه در اردن و الجزایر است. (محمد و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۶۱-۲۶۲) اخوان المسلمین که در ابتدای تأسیس، بر خلافت اسلامی و سپس حکومت اسلامی پافشاری می‌کرد، سرانجام بر پدید آوردن حکومت عرفی و دموکراتیک متمرکز شد. به گفتار دیگر، می‌توان گونه‌ای دگرذیسی در اندیشه و دیدگاه‌های سیاسی اخوانی‌ها از حکومت و مبانی و الگوهای اسلامی به سوی الگوها و مبانی دموکراتیک و حکومت عرفی مشاهده کرد. در رویکرد جدید این جنبش، حکومت اسلامی جای خود را به حکومت مسلمانان می‌دهد و به جای پافشاری بر موازین و محتوای حکومتی دلخواه بنیان‌گذاران اخوان المسلمین، به حکومت عرفی بر پایهٔ آرای همگانی پرداخته می‌شود. در واقع، اخوان المسلمین که چندین دهه برای مشارکت در میدان قدرت، با موانع جدی روبرو بود و با آنکه چارچوب‌های سیاسی شبه اقتدارگرای عربی و شیوه‌های پارلمانتاریستی را پذیرفته بود، نتوانسته سهم مؤثری در عرصهٔ سیاسی داشته باشد، شرایط کنونی و برپایی حکومت های عرفی دموکراتیک را فرصتی برای مشارکت در قدرت دانست. از یک سو در مرحلهٔ کنونی، برپایی حکومت اسلامی در بیشتر کشورهای عربی با موانع و حساسیت‌های درونی و بین‌المللی روبرو است و از سوی دیگر، هم‌اکنون جریان‌های سیاسی مختلف دیگری مانند سکولارها، در تحولات کشورهای عربی نقش‌آفرینی می‌کنند که نیازمند مشارکت در قالب‌های دموکراتیک‌اند. بر این اساس، اخوانی‌ها پذیرش چارچوب‌های عرفی و دموکراتیک در عرصهٔ سیاسی را گزینه‌ای میانه برای مدیریت تحولات و افزایش تأثیرگذاری در میدان سیاست به‌شمار آوردند. (گروه پژوهش مؤسسه، ۱۳۹۰: ۷۴)

#### و) وحدت امت اسلامی

«حسن‌البناء» قاطعانه می‌گوید: اسلام، وحدت امت را مطلقاً واجب کرده و آن را بخشی اساسی از زندگی جامعهٔ اسلامی دانسته که هیچگاه ساده‌گرفتن آن روا نیست؛ زیرا

اسلام، وحدت را همچون ایمان می‌داند، همچنان که تفرقه را همانند کفر می‌خواند. وی در تفسیر آیه «یا ایها الذین آمنوا إن تطیعوا فریقا من الذین أوتوا الکتاب یردوکم بعد ایمانکم کافرین» می‌گوید: مقصود از عبارت «یردوکم بعد ایمانکم کافرین» این است که پس از وحدت، شما را به حالت تفرقه بر می‌گردانند، زیرا وحدت هم‌وزن ایمان و کفر هم‌وزن تفرقه است. «البننا» می‌کوشد تا راهی برای از میان بردن ناسازگاری میان تکثرگرایی در ساختار سیاسی و وحدت در زندگی اجتماعی بیابد، اسلام‌گرایان نیز همواره از تفاوت چپستی جوامع اسلامی و جوامع غربی سخن می‌گویند و اولی را متمایل به وحدت و دومی را متمایل به اختلاف می‌دانند؛ از این روی «حسن البننا» ساختار پارلمانی را مانع وحدت امت نمی‌داند، به‌ویژه آنکه به گفته «البننا»، زندگی اجتماعی در امت اسلامی اصول و رویکردهای همگانی واحدی دارد؛ اما از سوی دیگر، حزب‌گرایی، تفرقه و اختلاف همراه ساختار پارلمانی در اروپا و غیر آن بوده است، زیرا اروپا بر ویرانه‌های تفرقه و اختلاف بنا شده و اختلافات خونین همیشگی میان ملتها و حاکمان، مایه پیدایش آنها بر اساس رویارویی روش‌های دینی و گوناگونی آراء بوده است. اما خداوند امت اسلامی را از این مسائل پاسداری کرده و با وحدت و گذشت اسلامی از چنین آشوب و اضطرابی بازداشته است. (مرادی، ۱۳۸۱: ۸۷)

کوشش برای تعامل و پرهیز از کشمکش و درگیری با فرقه‌ها، گروه‌ها و مذاهب دیگر اسلامی از مسائلی بوده که اخوان المسلمین، در راستای رویکرد به مقوله وحدت اسلامی و بدیده گرفتن امت اسلام، به‌عنوان امت یکپارچه، همواره به آنها پرداخته‌اند. همچنین جماعت اخوان بارها اعلام کرده است که از کشمکش‌های مذهبی دوری می‌کند و اساساً خود را، دست‌کم از دید تئوری، به هیچ گروه خاصی وابسته نمی‌داند و تنها جان و گوهر اسلام را اساس فعالیت می‌گذارد و از درگیری‌های غیرضروری در فروع خودداری می‌کند. این به معنای پایان تکفیرگرایی در جماعت اخوان انگاشته می‌شود. اصولاً اخوان المسلمین گرایشی به کاربرد واژه تکفیر در ادبیاتش ندارد و از این رو، بیشتر در آشکارسازی مرز میان کفر و اسلام، که بیشتر زمان‌ها منظور آنها از کفر رژیم صهیونیستی است، می‌کوشد.

(ز) مبارزه با اشغالگران صهیونیست

بعد از آنکه صهیونیست‌ها فلسطین را اشغال کردند و بحران در این سرزمین اسلامی پا گرفت و با توجه به نزدیک‌بودن مرزهای مصر و فلسطین، اخوان المسلمین در جنبشی جهادی به میدان مبارزه نظامی با صهیونیست‌ها وارد شد و با فرستادن نیروهای جوان و جنگی، به مبارزه با اسرائیل پرداخت. هرچند در طول سالیان، فعالیت اخوان از کار نظامی به کار سیاسی گرایید؛ ولی رویکرد اخوان درباره اسرائیل دگرگون نشد.

با این حال در زمانی ویژه، یعنی پس از موج بیداری اسلامی و زمان ریاست جمهوری محمد مرسى، این پرسش بزرگ در اندیشه کسانی که رفتارهای اخوان را می‌پایند، پدید آمد که چرا این دولت اخوانی که روی کار آمده است، در رویارویی با صهیونیست‌ها، کارهای خواسته‌شده را انجام نمی‌دهد. با این حال نباید نادیده گرفت که حماس، گروهی چندهویتی، عرب تبار، فلسطینی، سنی و اسلامگرا است که از لحاظ سازمانی، بخشی از جنبش جهانی اخوان المسلمین به‌شمار آورده می‌شود. (زارعی و زارعان، ۱۳۹۴: ۱۶۱)

#### ۲.۱. اصول سیاسی انقلاب اسلامی

از سوی دیگر مبانی اندیشه‌ای انقلاب اسلامی ایران، از جهات بسیاری، به اندیشه‌های اخوان المسلمین نزدیک است.

##### الف) باور به جدا نبودن دین از سیاست و برپایی حکومت اسلامی

امام خمینی (ره) بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، در کتاب «کشف الأسرار» که به‌گونه روشن درباره حکومت و قانون از نگاه دین صحبت می‌کند علت عقب‌ماندگی ایران را جدایی و دوری از دین می‌داند و تأکید می‌کند که اگر قوانین اسلام در همین مملکت ما اجرا شود، روزی می‌آید که پیشگام تمدن جهان باشد. (موسوی خمینی، کشف الأسرار) امام خمینی (ره) در این زمینه می‌گوید: اسلام با مسیحیتی که کلیسا عرضه می‌کند، متفاوت است و تنها در کارهای عبادی شخصی خلاصه نمی‌شود. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: گمان نشود اسلام، مسیحیت است که فقط یک رابطه معنوی میان فرد و خدای تبارک و تعالی وجود دارد و بس، اسلام برنامه زندگی دارد، اسلام برنامه حکومت دارد... بحث ما از حدود کتاب و طهارت و... فراتر نمی‌رود. (روح الله موسوی الخمینی، ۱۳۶۸ ج ۱: ۱۱۹)

ایشان در جایی دیگر با اشاره به منابع فقهی اسلامی، درباره فزونی منابعی که درباره اسلام سیاسی صحبت می‌کنند، می‌فرمایند: آنقدر آیه و روایت که در سیاست وارد شده

است، در عبادت وارد نشده است، شما از پنجاه و چند کتاب فقه را ملاحظه کنید، هفت، هشت تایش کتابی است که مربوط به عبادت است و بقیه‌اش مربوط به سیاست و اجتماعات و معاشرات و این طور چیزهاست... اسلام را همچو بد معرفی کرده‌اند به ما، که ما هم باورمان آمده است که اسلام به سیاست چه؟ سیاست مال قیصر و محراب مال آخوند. (روح الله موسوی الخمینی، ۱۳۶۸ ج ۵: ۲۱) از دیدگاه ایشان، جدایی دین از سیاست و دخالت نکردن علما و مسلمانان در رویدادهای سیاسی و اجتماعی دستاورد برنامه‌ریزی و توطئه استعمارگران و استثمارگران است تا بتوانند بر کشورهای اسلامی چیره شوند و منابع و ذخایر آنها را تاراج کنند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «همه می‌دانیم و باید بدانیم که آنچه از قرن‌ها پیش تاکنون بر سر مسلمانان آمده است، خصوصاً در یکی دو قرن اخیر که دست دولت‌های اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و در سایه شوم آنان، بلاد مسلمانان را به تاریکی و ظلمات کشانده است و ذخایر خدادادی آنان را به باد فنا داده و به طور مداوم می‌دهد، غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی است که بدست استعمارگران و استثمارگران و عمال غرب‌زده و شرق‌زده آنان به توده‌های مسلمانان محروم تحمیل شده است که حتی علمای اسلام گمان می‌کردند و می‌کنند که اسلام از سیاست منزّه است و یک شخص مسلمان نباید در سیاست دخالت کند.» (روح الله موسوی الخمینی، ۱۳۶۸ ج ۱۷: ۸۸)

### ب) مردم سالاری

در جمهوری اسلامی، دموکراسی به معنای اتکاء حکومت بر خواست و تأیید مردم پذیرفته شده است؛ ولی به معنای غربی آن، که دموکراسی در تعامل با دیانت مفهوم جدیدی می‌یابد، پذیرفتنی نیست. سرچشمه این دوگانگی، افزودن مبنای تازه مشروعیت بر مفهوم دموکراسی است که همان پایبندی حاکمان به اسلام است. در این مفهوم، مردم حاکمانی را برمی‌گزینند یا از حکومت آنها خشنودند که نخست دارای صفات دلخواه اسلام برای فرمانروایی باشند و دوم اینکه بر مبنای اسلام حکومت کنند. جایگاه جدایی این مفهوم از دموکراسی با مفهوم غربی آن، مبنای دینی حکومت و جایگاه پیوند آن دو، اتکاء به مردم و آرای آنان است.

بنابراین مشروعیت حکومت، دو پایه دارد، یکی شرعیت و دیگری مقبولیت و پیروی مردم. شرعیت بر پایبندی به اسلام و مقبولیت بر تأیید و خواست مردم استوار است. با

این اوصاف جمهوری اسلامی، حکومتی است که بر آرای همگانی استوار است و نمایندگان مردم آن را سامان می‌دهند. رئیس‌جمهور، وزیران، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان خبرگان و شورای شهر به‌شیوه مستقیم با رأی مردم انتخاب می‌شوند و حتی فراتر از آن، می‌توان برای برگزیدن شکل حکومت و مسائل مهم آن نیز از همگان رأی‌گیری کرد. ما یک جمهوری اسلامی تشکیل می‌دهیم که خود حکومت و تعیین حکومت به آراء ملت متکی است. (موسوی الخمينی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۹۸) از این رو در جمهوری اسلامی بر مردمسالاری در چارچوب دین تأکید می‌شود، حال آنکه رویکرد اخوان المسلمین مصر اینگونه نیست و برای آنها در زمینه دموکراسی تعارض پدید آمده است.

### ج) استقلال و مبارزه با استعمار

در الگوی جمهوری اسلامی، استقلال همچون مرز است که به هیچ روی نمی‌توان آن را نادیده گرفت، برای نمونه همانگونه که کشورها، مرزهای جغرافیایی شناخته شده‌ای دارند و گذشتن از آنها نیازمند فرآیند ویژه‌ای است و دولت‌ها پاسداری از آنها را همچون پاسداری از حاکمیت خود به‌شمار می‌آورند و در آن سستی نمی‌کنند، استقلال کشور نیز اینچنین اهمیت دارد که گذر از آن، به حاکمیت کشور آسیب می‌رساند. در این باره آیت‌الله‌خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، اشاره می‌کند که «استقلال، مرزی است برای کشور. این کسانی که سعی می‌کنند اهمیت استقلال یک ملت را، به‌عنوان جهانی شدن و حل‌شدن و منطبق‌شدن با جامعه جهانی، از میان ببرند و کم‌رنگ کنند، مقاله می‌نویسند، حرف می‌زنند، اینها هیچ خدمتی نمی‌کنند به این کشور. (آیت‌الله‌خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)

«ما حرفمان از اول تا حالا این بوده است که ما یک مملکتی داریم برای خودمان می‌خواهیم، ما نمی‌خواهیم آمریکا سرپرست ما باشد، ما نمی‌خواهیم همه منافع ملت را آمریکا ببرد، همه منافع مملکت را شوروی ببرد، گاز را شوروی ببرد و نفت ما را آمریکا ببرد، و یک سفره باز و هرچه هر کس می‌خواهد هر چی بخورد، ما نمی‌خواهیم اینطور باشد. ما می‌خواهیم خودمان، یک جمعیتی هستیم، هر چی هستیم به شما چه ما هر چی هستیم؟ می‌خواهیم خودمان از زمین خودمان و از آب خودمان و از نفت خودمان و از مخازن خودمان که همه غنی‌اند اینها، ما می‌خواهیم از همین‌ها استفاده کنیم و دزدها را کنار بگذاریم که می‌خوردند و می‌بردند، آنها را هم کنار بگذاریم، خودمان اداره کنیم مملکت خودمان را. ما سرپرست لازم نداریم، بد اداره می‌کنیم



خودمان کردیم خوب هم اداره می‌کنیم خودمان کردیم، ما حرفمان این است و کی می‌تواند بگوید نخیر، باید حتماً کس دیگر بیاید شما را اداره کند؟» (موسوی الخمینی، ۱۳۶۸ ج ۲: ۱۲۱)

#### د) عدالت خواهی

الگوی اسلام سیاسی جمهوری اسلامی به دنبال برپایی حکومتی عادلانه و بر پایه عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی اهمیت بسیاری دارد، این مسئله از نگاه ویژه حکومت به اصل عدالت، که در اسلام تأکید بسیاری بر آن شده، سرچشمه می‌گیرد. عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط گفتمان سیاسی امام است. در خوانش امام از اسلام سیاسی، همه برنامه‌های حکومت، قانونگذاری، اجرا و قضاوت باید در راستای اجرای عدالت اجتماعی و پرکردن شکاف‌های طبقاتی باشد و نباید از هیچ اندیشه و فرهنگی بیرون از اسلام، برای سر و سامان دادن به جامعه اسلامی استفاده شود. (بهر روز لک، ۱۳۸۴: ۳) «عدل اسلام در هنگامی است که حکومت اسلامی و نظام اسلامی در کشوری وجود داشته باشد؛ و آلاً عدالت اسلامی چگونه قابل اجراست؟» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱) بنابراین «یکی از مهم‌ترین اهداف نهضت و انقلاب اسلامی به مقوله عدالت اجتماعی باز می‌گردد، هدف‌های انقلاب چیست؟ در درجه اول حاکمیت اسلام است؛ اصلاً انقلاب برای این به وجود آمد؛ برای اینکه اسلام حکومت کند؛ حاکمیت داشته باشد با معنای خاص خودش. اهداف انقلاب [عبارت‌اند از]: حاکمیت دین خدا؛ آزادی؛ عدالت اجتماعی؛ رفاه عمومی؛ ریشه‌کنی فقر و جهل؛ مقاومت در برابر سیل بنیان‌کن فساد اخلاقی‌ای که از غرب به همه دنیا سرازیر شده که شما امروز دارید خصوصیاتش را می‌بینید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۶/۰۳)

#### ه) وحدت

اساساً ارزیابی انقلاب اسلامی از پدیده تکفیر این است که برای آسیب‌رساندن به همبستگی مسلمانان پدید آمده است. در همین راستا الگوی سیاسی انقلاب اسلامی در درون و بیرون از کشور و در همه امت اسلامی رواج‌دادن و دعوت به همبستگی و نقاط مشترک است. «یکی از ابزارهای همیشه مورد استفاده دشمنان ملت‌های مسلمان برای اختلاف، مسئله اختلافات مذهبی، شیعه و سنی و از این قبیل بوده. دعوا درست کنند،

اختلاف ایجاد کنند، برادران را به جان هم بیندازند، اختلافات را بزرگ کنند، برجسته کنند، موارد اشتراک و اتحاد را ضعیف کنند، کمرنگ کنند، یک چیز کوچک را بزرگ کنند، برجسته کنند؛ این همه نقاط اشتراک را که میان برادران سنی و شیعه هست، کوچک کنند، ضعیف کنند؛ این کاری است که دائم انجام گرفته است، الان هم دارد انجام می‌گیرد. جمهوری اسلامی از اولین روز در مقابل این توطئه ایستاده است؛ علت هم این است که ما ملاحظه کسی را نمی‌کنیم؛ این عقیده ماست. قبل از اینکه نظام اسلامی تشکیل بشود، برادران ما، بزرگان نهضت، بزرگان مبارزه انقلابی در آن روز، که هنوز خبری از حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی نبود، در جهت وحدت شیعه و سنی تلاش می‌کردند». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۹۰/۷/۲۵)

### ز) پشتیبانی از آرمان قدس

جهانیان پذیرفته‌اند که جمهوری اسلامی ایران، احیاگر مسئله فلسطین، نه تنها در منطقه؛ بلکه در عرصه جهانی است. فرمان تاریخی حضرت امام خمینی (ره) در نامگذاری آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس، درخششی بود که پشتیبانی از فلسطین را در سراسر جهان گسترش داد. از مهم‌ترین مؤلفه‌های حمایتی جمهوری اسلامی و ملت ایران از مسئله فلسطین، آن است که، بر خلاف پان‌عرب‌یسم، که موضوع فلسطین به عنوان مسئله‌ای عربی می‌نگرد، آن را دغدغه‌ای برای کل کشورهای اسلامی و حتی آزادیخواهان جهان دانسته است. اندیشه‌ای که این روزها می‌توان درخشندگی آن را در اروپا، امریکا و حتی آمریکای لاتین و آفریقا دید. چنانکه این موضوع در برگزاری باشکوه روز جهانی قدس در کشورها و گسیل کاروان‌های آزادی غزه و نیز اوج‌گیری تحریم‌ها علیه صهیونیست‌ها جلوه‌نمایی می‌کند. (غفوری، ۱۳۹۰: ۲۱) این مسئله تا جایی پیش رفته که در جمهوری اسلامی به عنوان یکی از اصول انقلاب، در چارچوب حمایت از مستضعفان جهان، مطرح شده است. در طول سال‌های ایستادگی مردم فلسطین، جمهوری اسلامی از هرگونه پشتیبانی مادی و معنوی از مقاومت اسلامی، دریغ نکرده است و در اوج تکاپوی دولت امریکا و کشورهای واپس‌گرای عربی برای ارائه طرح‌های سازش عربی اسرائیلی، در راستای به فراموشی سپردن آرمان قدس و تبدیل آن به مسئله‌ای عربی اسرائیلی، جمهوری اسلامی مبارزه عملی می‌کند و با پدید آوردن محور مقاومت، برگرفته از نیروهای مسلمانی که به آرمان

رهایی قدس باور دارند، مسئله را به‌عنوان مسئله‌ای اسلامی برتری بخشیده است و هم اکنون ایران به‌عنوان مهم‌ترین تهدید رژیم صهیونیستی شناخته می‌شود.

## ۲. بررسی دلایل کامیابی انقلاب اسلامی و ناکامی اخوان المسلمین

اکنون با توجه به مطالب گفته شده و آشنایی با مؤلفه‌های سیاسی هر دو الگوی اسلام سیاسی و شباهت‌های موجود، به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که چرا الگوی اسلام سیاسی اخوان‌المسلمین با اصولی که از آن گفته شد، به کامیابی دست نیافت و به مرحله نظام‌سازی نرسید، حال آنکه انقلاب اسلامی با تفسیر نوین از مفاهیم دینی توانست به مرحله نظام‌سازی برسد و خود را به‌عنوان متکامل‌ترین حلقه از جنبش‌های اسلامی بشناساند.

### الف) تغییر اصول

از مهم‌ترین مسائل در طول زندگی اخوان‌المسلمین مصر، دگرگونی‌هایی است که در مبانی اندیشه‌ای آنها روی داده است، تا جایی که گویا در برخی مسائل، از اصول نخستین دور شده‌اند. به دنبال دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و شرایط عینی در مصر و همچنین تغییر رهبران جماعت اخوان‌المسلمین و تحولات اندیشه‌ای آنان، این جماعت دچار دگرگونی‌هایی شد. چرایی این دگرگونی در بخش عینی را می‌توان تغییر رژیم‌های سیاسی یا تغییر سیاست آنها در برابر جامعه مصر یا گروه اخوان‌المسلمین و همچنین شرایط و تحولات منطقه‌ای برشمرد. تحولاتی که اخوان‌المسلمین را به تعریف دوباره از رویکردهای خود وادار کرد. در بخش اندیشه‌ای نیز پیدایش نسل جدید رهبران، با ویژگی‌های اندیشه‌ای سازگار با شرایط جدید و تأثیرگذاری شرایط و واقعیت‌های هر دوره بر اندیشه سیاسی، مایه این دگرگونی‌ها بود. (گروه پژوهش موسسه، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۷)

### ب) خلأ رهبری

ارائه نظریه «ولایت فقیه» در الگوی سیاسی انقلاب اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین ستون در حکومت اسلامی و راهبر جامعه، از جدایی انقلاب اسلامی ایران از اصول نخستین خود در دگرگونی‌ها و چالش‌ها جلوگیری کرد و مسائلی همچون ترور، فشارهای اقتصادی، حمله نظامی و حملات گسترده فرهنگی، عقیدتی دشمنان نتوانست انقلاب اسلامی را از

اصول اولیه خود جدا کند. به این معنا که چگونگی تعامل رهبر و مردم، در چارچوب نظریه «ولایت فقیه»، این معنا را می‌رساند که جایگاه ولایت فقیه از کشور پاسداری می‌کند. آنچه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ضعف‌های اخوان‌المسلمین برشمرده می‌شود، نبودن رهبری یگانه است؛ به‌گونه‌ای که آنچه در گفتمان اسلام‌گرای اخوان در انقلاب ۲۰۱۱ مصر نمایان است، برخوردار نبودن این گفتمان از رهبری واحد است. از زمانی که مردم مصر با انقلابشان، گفتمان سکولار ملی‌گرای «حسنی مبارک» را ناپایدار کردند (و نه شکست دادند)، اخوان نتوانست با مردم همراه شود (سمیعی اصفهانی و کیانی، ۱۳۹۴: ۱۵) اخوان از همان ابتدا رهبر نداشت و این موضوع موجب شد تا نتواند در هنگام کار سیاسی و پرکار شدن، میان نشانه‌های گفتمان خود، مفصل‌بندی دقیق و درستی داشته باشد؛ افزون بر این، از زمان پانهادن در سیاست، هدف و برنامه روشنی برای آینده ساختار سیاسی نداشت. (سمیعی اصفهانی و کیانی، ۱۳۹۴: ۱۵)

#### د) بی‌توجهی به نظام‌سازی

از مهم‌ترین تفاوت‌ها میان الگوهای انقلاب اسلامی و اخوان‌المسلمین از اسلام سیاسی آن است که در انقلاب اسلامی، رهبر انقلاب از روزهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در گفتگوها و بیانیه‌ها، مطالب فراوانی درباره‌ی نوع و چگونگی سامان‌دادن به حکومت و ساختار بعدی اداره‌ی کشور گفته بود و از این رو با گذشت پنجاه روز از پیروزی انقلاب اسلامی (روز دوازدهم فروردین ۱۳۵۸)، درباره‌ی چگونگی حکومت بعدی همه‌پرسی برگزار شد و به‌دنبال آن قانون اساسی نوین گردآوری شد و درباره‌ی آن نیز همه‌پرسی انجام شد. در این مرحله باید سرانجام موضوعی بنیادین روشن می‌شد (مدنی، ۱۳۸۲: ۳۸)؛ ولی در مصر، پس از پاگرفتن انقلاب سال ۲۰۱۱، اخوان‌المسلمین که به هر روی، در سنجش با گروه‌های دیگر، جایگاه برتری بدست آورده بود و سردمدار جریان موجود بود، به جای آنکه در راستای گردآوری یک قانون اساسی نوین گام بردارد؛ به برخی دگرگونی‌ها در قانون اساسی پیشین بسنده کرد و آن را به رأی گذاشت؛ بنابراین از درون قانون اساسی پیشین، قانون اساسی خامی پدید آمد، با این که اخوان‌المسلمین نیز می‌توانست با پدید آوردن شورایی از رهبرانش، قانون اساسی نوین را گردآوری کند و سپس آن را به رأی مردم بگذارد. همین مسئله به یکی از مهم‌ترین دلایل ناتوانی اخوان‌المسلمین تبدیل شد. افزون بر قانون اساسی، بسیاری از ساختارها و حتی افراد و شخصیت‌های وابسته به دولت پیشین، پس از روی کار آمدن مرسى، همچنان سر جای خودشان ماندند.

### ه) تفرقه و دوری از وحدت

همواره الگوی سیاسی انقلاب اسلامی ایران، شیعه و سنی را برادر یکدیگر به‌شمار آورده است و از ابتدای پیروزی انقلاب، بر همبستگی و دوستی پافشاری کرده و صداهایی که به دوگانگی میان مسلمانان می‌انجامد، صدای دشمنان اسلام پنداشته است. بر این اساس، رهبر انقلاب هرگونه صدای تفرقه‌افکن را صدای دشمن می‌داند. این موضوع، همه‌گونه وحدت همچون وحدت ملی و وحدت دینی را در برمی‌گیرد.

از مهم‌ترین اصولی که اخوان‌المسلمین به آن سفارش می‌کرد، پرداختن به مقوله وحدت و دوری از تکفیر بود. چنانچه پیشتر گفته شد، اخوان‌المسلمین از شاخه سلفیان تقریبی به‌شمار می‌آمد. با اینهمه اخوان‌المسلمین پس از پیروزی انقلاب و کامیابی در انتخابات، تا اندازه‌ای از اصول دور شد و در دام نیروهای سلفی تکفیری مصر، که بیشتر با عربستان سعودی پیوند داشتند، گرفتار شد. از سوی دیگر، همواره سیاست پلید بیگانگان در کشورهای اسلامی برای جدایی انداختن میان مردم مطرح بوده است. در این راستا، عربستان با پخش پول به گسترش افراط‌گرایی در مصر کمک کرده و درباره افزایش خطر شیعیان و ایرانی‌ها هشدار داده است. در این میان، آمریکا و رژیم صهیونیستی با پیش‌کشیدن حقوق اقلیت مسیحی قبطی، به تفرقه‌افکنی و ناامن‌سازی می‌پردازند. برای نمونه می‌توان به درگیری‌های قبطیان با مسلمانان در ۱۷ مهر ۱۳۹۰ اشاره کرد. (مسعودنیا و خانی، ۱۳۹۰: ۴۰)

### و) اعتماد به غرب

چنانچه پیشتر گفته شد، الگوی انقلاب اسلامی مهم‌ترین علت رفتاری‌های کشورهای اسلامی را استعمار و اندیشه‌های وارد شده از غرب و شرق می‌داند. از این رو در مبارزه با استعمار و نمادهای آن و همچنین به چالش کشیدن اندیشه‌های غربی پافشاری کرد. این مهم، همواره در رهنمودهای رهبران انقلاب اسلامی دیده می‌شود. حال آنکه اخوان‌المسلمین به‌ویژه دولت مرسی، پس از انقلاب مصر، به کشورهای غربی، با وجود سردرگمی آمریکا در واکنش به انقلاب مصر، اعتماد کرد. مرسی و اعضای هیئت دولت، الگوی حکومتی کشورهای غربی را از الگوی حکومتی اسلام سیاسی برتر دانستند و همچنان دلباخته غرب و وابسته به کمک‌های آنان بودند. این امر با انقلاب مردمی مصر، سازگار نبود و مایه دلسردی بسیاری از مردمی شد که به خاطر رهایی از

استکبار آمریکا و اسرائیل و سلطه غربی‌ها، امیدوار شده بودند؛ ولی در واقع شاهد همان حکومت پیشین بودند. (ستوده و صادق‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۱۰) در شرایطی که رویکرد دولت آمریکا و کشورهای غربی در برابر مصر تغییری نکرده بود؛ اعتماد به کشورهای غربی، براهه‌ای بود که اخوان‌المسلمین آن را پیمود. دولت «اخوان» کوشید تا در میدان سیاست خارجی، با پیروی از سیاست‌های آمریکا، عربستان و قطر در منطقه، کمک اقتصادی این کشورها را بدست آورد. همه این موارد، بیان‌کننده ناتوانی مرسی و اخوان در جداسازی گفتمان خود از گفتمان دشمن بود. این مسائل تأیید می‌کند که نه تنها اخوان در غیریت‌سازی میان نظام اسلامی و نظام سکولار ناکام بود؛ بلکه در غیریت‌سازی با استکبار و کشورهای غربی نیز شکست خورد. (سمیعی اصفهانی و کیانی، ۱۳۹۴: ۱۸) به این معنا که اخوان، اصولش یعنی استکبار ستیزی و پس‌زدن سکولاریسم را کنار گذاشت. این کار اخوان، آنها را نزد مردم و کشورهای دیگر به عنوان ریاکارانی شناساند که به دنبال قدرت هستند و به اصول خود پایبند نیستند. (سمیعی اصفهانی و کیانی، ۱۳۹۴: ۱۸)

#### ز) فراموشی آرمان قدس شریف

پیشینه حمایت از فلسطین و آرمان قدس، به پیش از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. با این حال بیشترین حمایت ایران از آرمان قدس، در دوران جمهوری اسلامی انجام شده است. در نخستین سال‌های دهه چهل شمسی، حضرت امام خمینی (ره) با ورود مستقیم به صحنه مبارزه و رهبری نهضت اسلامی و حمایت از مردم ستمدیده فلسطین، خطر اسرائیل و صهیونیسم را برای کشورهای اسلامی، صلح و امنیت منطقه و همچنین همه مسلمانان به‌ویژه ایرانیان گوشزد کرد و با هوشمندی، به شاه و پشتیبانان صهیونیستی و آمریکایی او حمله می‌کند (مجیدی، ۱۳۸۱: ۲۳) در سال‌های ایستادگی مردم فلسطین، جمهوری اسلامی از هرگونه پشتیبانی مادی و معنوی از مقاومت اسلامی دریغ نکرده است. در اوج کوشش دولت‌های آمریکا و کشورهای واپس‌گرای عربی برای پدید آوردن طرح‌های سازش عربی اسرائیلی، که با انگیزه به فراموشی سپردن آرمان قدس و تبدیل آن به مسئله‌ای عربی اسرائیلی انجام شده است، جمهوری اسلامی با استفاده از نیروهای مسلمانی که به آرمان‌رهایی قدس باور دارند، محور مقاومت را پدید آورده و اقدام به مبارزه کرده و مسئله را تا تراز مسئله‌ای اسلامی بالا برده است، هم‌اکنون ایران به‌عنوان مهم‌ترین تهدید رژیم صهیونیستی نگریسته می‌شود. با پیدایش

تحولات مصر و روی کار آمدن گروه اسلامگرای «اخوان المسلمین» شاید اسرائیل بیشترین نگرانی را درباره این تحولات داشت. مقامات اسرائیل می‌گفتند که دولت مبارک، در سه دهه گذشته، رویکرد خوبی در برابر اسرائیل داشته و به بهبود امنیت این رژیم کمک کرده است. دولت مصر با امضای پیمان «کمپ دیوید» در زمان انور سادات، آغازگر عادی‌سازی روابط عرب‌ها با اسرائیل بود و همچنین در رویارویی با گروه‌های مقاومت، به این رژیم کمک بسیاری کرده است. در تنگنا گذاشتن حماس و مردم غزه و جلوگیری از کمک به این بخش از فلسطین در طول چند دهه گذشته، از مهم‌ترین کمک‌های رژیم مبارک به اسرائیل به‌شمار می‌آید. همچنین برخلاف انتظار ایران از دولت مصر در زمینه قطع روابط با اسرائیل و بهم زدن پیمان «کمپ دیوید»، این کار انجام نشد. مصر آشکارا گفته است که روابط خود با اسرائیل را ادامه خواهد داد و به پیمان «کمپ دیوید» پایبند خواهد ماند. (بیگی، ۱۳۹۰: ۱۷۷) این مسئله، از ناتوانی‌های دیگر حکومت اسلامگرای مصر بود. زیرا این کار نه با خوی ظلم‌ستیزی اسلام هماهنگ بود و نه مردم آن را می‌پذیرفتند و در حقیقت پشت‌پا زدن به اصول رهبران اخوان المسلمین به‌شمار می‌آمد. ناتوانی در غیریت‌سازی در برابر دیگری، بازماندگان حکومت حسنی مبارک، پیوند با کشورهای غربی و اسرائیل و بی‌توجهی به مسئله فلسطین، گفتمان اخوان را ناتوان کرد و این جنبش نتوانست ساختار معنایی خود را در جامعه مصر پایدار کند و با کوچک‌ترین بحرانی که بازماندگان گفتمان سکولار ملی‌گرا پدید آورد، دچار ناآرامی شد.

### نتیجه‌گیری

برآیند پرسش و مباحث مطرح شده در این پژوهش، آن است که انقلاب اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر که از جنبش‌های اصیل اسلامی هستند، به‌عنوان دو الگوی اسلام سیاسی، با وجود شباهت‌های فراوانی که در مبانی و اصول سیاسی دارند؛ ولی در رویکردها متفاوتند. رویکردهای متفاوت الگوی اسلام سیاسی اخوان المسلمین و کنار گذاشتن اصول نخستین خودشان، مایه ناکامی آنان در نظام‌سازی شد. غفلت از اصول اولیه همچون مسئله رهبری، وحدت و دوری از دو دستگی، استقلال و مبارزه با استعمار و استکبار، آرمان قدس شریف و عدالت اجتماعی سبب شد تا اخوان المسلمین فضای پدید آمده در بیداری اسلامی مصر را از دست داده و دولت برخاسته از اخوان المسلمین با شکست روبرو شود. در همین حال رویکرد انقلاب اسلامی به

مؤلفه‌های بنیادین گفته شده و پایبندی به آنها و مبارزه با هرگونه انحراف در این مؤلفه‌ها سبب شد تا انقلاب اسلامی با تکیه بر استواری خود و در جایگاه احیاگر مفاهیم دینی در روزگار کنونی، در راستای نظام‌سازی حرکت کند و به‌عنوان متکامل‌ترین حلقه از جنبش‌های اسلامی در زمانه معاصر مطرح شود.



## منابع

- ابراهیم، محمد و دیگران. جمعیت اخوان المسلمین، ترجمه کارشناسان مؤسسه اندیشه‌سازان‌نور، تهران: اندیشه‌سازان‌نور، ۱۳۸۴.
- بهروزلک، غلامرضا. جهانی‌شدن و اسلام سیاسی در ایران، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
- سیمبر، رضا. اسلامگرایی در نظام بین‌الملل، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۸۹.
- آیت‌الله‌خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶/۰۱/۰۱) بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی
- آیت‌الله‌خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۳/۰۶) بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری
- آیت‌الله‌خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۷/۲۵) بیانات در اجتماع مردم پاوه
- آیت‌الله‌خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۱۲/۱۵) بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری
- البنا، حسن. پیام بیداری، ترجمه مصطفی اربابی، تهران: احسان، ۱۳۸۸
- البنا، حسن. مجموعه الرسائل، قاهره: دارالشهاب، بی تا
- البنا، حسن. منبر الجمعة، اسکندریه: دارالدعوه ۱۹۷۸.
- بهروزلک، غلامرضا. «ویژگی‌های مکتب سیاسی امام خمینی چیست؟» مجله فرهنگی، اجتماعی پرسمان. ش ۳۳، ۱۳۸۴
- بیگی، مهدی. «انقلاب مصر و چشم‌انداز آینده آن»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه ای، بهار ۱۳۹۰، ش ۱۵۷، ۶-۱۸۰.
- پایگاه تخصصی وهابیت‌پژوهی و جریان‌های سلفی، مقایسه دیدگاه وهابیت و اخوان‌المسلمین در زمینه حکومت، آخرین بازدید در (۲۷/ ۲/ ۱۳۹۷)  
<http://alwahabiyah.com/fa/Article/View۱۲۸۲۶۴>
- حسینی، مختار. برآورد استراتژیک مصر، چاپ اول، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر، ۱۳۸۱.

- درخشه، جلال. «بازتفسیر مفاهیم دینی و تأثیر آن بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران»، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول - بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۸۷-۱۲۱.
- ذوالفقاری، محمد. «جریان اخوان المسلمین در خاورمیانه»، پژوهش‌های منطقه‌ای، بهار ۱۳۸۹ - شماره ۳، ص ۱۱۳-۱۱۴.
- زارعی، سعدالله؛ زارعان، احمد. «حماس و جمهوری اسلامی ایران، انتظارات متقابل» فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۴، زمستان ۱۳۹۴، ۱۶۱-۱۸۱.
- زهمول، ابراهیم. الاخوان المسلمون اوراق تاریخیه، بی‌نا، بی‌تا، بی‌جا.
- سایت اینترنتی سیدهادی خسروشاهی، نگاهی به میراث فکری - اجتماعی «شیخ حسن‌البنّا» مؤسس و مرشد اخوان المسلمین (بخش اول)، آخرین بازدید در (۱۳۹۷/۲/۲۵)
- <http://khosroshahi.org/main/?Page=definition&UID=۲۷۴۰>
- ستوده، محمد؛ صادق‌زاده، محمدعلی. «علل شکست انقلاب مصر و سقوط دولت مرسى»، سپهر سیاست، بهار ۱۳۹۶ - شماره ۱۱ ص ۱۰۵-۱۳۲.
- سجادی، سید جعفر. سید قطب، بیجا، ۱۳۴۵
- سمیعی اصفهانی، علی‌رضا؛ کیانی، امران. «پیروزی و ناکامی گفتمان اسلام سیاسی، تجربه‌ای متفاوت در ایران ۱۹۷۹ و مصر ۲۰۱۲»، فصلنامه سیاست، تابستان ۱۳۹۴ - دوره ۴۵، شماره ۲، ۶-۲۴.
- الصواف، محمد محمود. صوت الاسلام فی العراق، بغداد: الشركه الاسلامیه للطباعه و النشر الممدوده. بی تا
- عبدالمجید الشرفی، «مشکله الحکم فی الفكر الاسلامی الحدیث»، مجله الاجتهاد، ش ۱۴ (چاپ بیروت) سال چهارم زمستان ۸۱، ۱۹۹۲-۹۸
- غفوری، قاسم. «مروری بر نگاه ایران به فلسطین در سال ۱۳۹۰»، ویژه‌نامه شماره یک فلسطین در سال ۱۳۹۰، ۲۱ - ۲۸
- قطب، محمد. اسلام و صلح جهانی، ترجمه: سیدهادی خسروشاهی و زین العابدین قربانی. چ چهارم تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۶۸.
- گروه پژوهش موسسه، «تحول اندیشه سیاسی اخوان المسلمین در جهان عرب» مطالعات راهبردی جهان اسلام، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۶۵، ۶۶-۸۶.

- مجیدی، محمد رضا. «فلسطین نگاه مسلمان ایرانی» اندیشه انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۸۱ - شماره ۱۹، ۱-۳۰.
- مدنی، سید جلال الدین. «مروری بر شکل‌گیری قانون اساسی در جمهوری اسلامی»، زمانه، سال دوم، دی ۱۳۸۲ - شماره ۱۶ ص ۳۸-۴۲.
- مرادی، مجید. «نظریه دولت در اندیشه سیاسی حسن البنا»، علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پاییز ۱۳۸۱ - شماره ۹۵، ۹۱-۹۶.
- مسعودنیا، حسین؛ خانی، اعظم. بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا از منظر رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی)، بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ ص ۴۰.
- موسوی الخمینی، روح الله. صحیفه امام، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۶۸.
- موسوی الخمینی، روح الله. صحیفه امام، ج ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۶۸.
- موسوی الخمینی، روح الله. صحیفه امام، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۶۸.
- موسوی الخمینی، روح الله. صحیفه امام، ج ۱۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۶۸.
- موسوی الخمینی، روح الله. صحیفه امام، ج ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۶۸.
- موسوی الخمینی، روح الله. کشف الاسرار، قم: انتشارات آزادی، بی تا.
- موسی الحسینی، اسحاق. اخوان المسلمین، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۷.
- هرایر، دکمچیان. جنبش‌های اسلامی معاصر جهان عرب، ترجمه احمدی، تهران: کیهان، ۱۳۸۳.